برنامه‌های دولت یازدهم برای زنان روستایی

روستا به‌عنوان موضوع خاص و زنان روستایی در ضمن آن، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌نحو جدی مورد توجه قرار گرفت. از جمله اقدامات انجام‌شده توسط دولت‌ها در این زمینه می‌توان به ایجاد امکان برخورداری روستاها از امکانات و خدمات زیربنایی در حوزه‌های مختلف آموزش، بهداشت‌ودرمان، مسکن، آب‌شرب، شبکه مخابرات، راه روستایی‌وروشنایی برق اشاره داشت.

زنان روستایی و عشایری حدود ۱۰ میلیون نفر از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. این رقم ۱۴ درصد کل جمعیت کشور و ۴۹ درصد جمعیت روستایی و عشایری است. بین دو سرشماری سال ۸۵ و ۹۰ نسبت زنان روستایی و عشایری به مردان افزایش پیدا کرده و از ۹۶,۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۴۹,۴ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در سال‌های اخیر نسبت جنسیتی در مناطق روستایی به‌دلیل مهاجرت مردان کاهش پیدا کرده است؛ چنان‌که براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ در ۸ استان کشور، نسبت جنسیتی، پایین‌تر از ۱۰۰ است و به این معنا که تعداد زنان روستایی بیشتر از مردان شده است.

سهم اشتغال زنان در بخش کشاورزی در تابستان سال ۸۹ بیش از یک‌میلیون و ۷۷ هزار نفر بوده، اما این رقم در تابستان ۹۰ به ۹۶۳ هزار و ۸۱۲ نفر در تابستان ۹۱ به ۹۶۱ هزار و ۵۶۷ نفر، در تابستان ۹۲ به ۸۵۰ هزار و ۶۷۹ نفر و در تابستان ۹۳ با افت قابل توجهی به ۶۶۶ هزار و ۸۲۰ نفر رسیده است. این ارقام بیانگر آن است که سهم اشتغال زنان در بخش کشاورزی از تابستان سال ۸۹ تا ۹۳ به ۲۸,۸ درصد کاهش یافته است.

همچنین حدود ۵ میلیون زن در تولیدات بخش کشاورزی ایران نقش دارند. فعالیت‌های مربوط به کاشت، داشت و برداشت محصول فرآوری و تهیه خوراک دام، نگهداری و مراقبت از دام و طیور و برخی فعالیت‌های مربوط به بازاریابی و فروش محصولات، از جمله زمینه‌های نقش و مشارکت زنان روستایی به‌شمار می‌رود. براساس آمارهای موجود، زنان روستایی در صنایع تبدیلی ۵۰ درصد، تولید محصولات زراعی و دامی ۲۲ درصد، صنایع دستی ۷۵ درصد و در امور مربوط به کاشت، داشت و برداشت به ترتیب ۲۵، ۲۶,۴ درصد مشارکت دارند. همچنین در امور دامداری، ۳۳ درصد چرای دامی، ۴۲ درصد مراقبت دام و ۱۰۰ درصد کل پرورش طیور را در روستا انجام می‌دهند.

نابرخورداری آموزشی در زنان روستایی

چنانچه از آمارهای مذکور پیداست، زنان فعالیت جدی و زیادی در عرصه کشاورزی و دامداری دارند، اما نگاهی به وضع آنان بیانگر مشکلات متعددی است. از جمله این مشکلات، مسائل مربوط به تحصیلات، سوادآموزی و نابرخورداری از دوره‌های آموزشی است. یافته‌های تحقیقی بیانگر آن است که از لحاظ سطح تحصیلات، ۱۶,۹ درصد زنان روستایی بی‌سواد، ۴۶,۸ درصد آنان تحصیلات متوسطه و ۹ درصد تحصیلات راهنمایی داشتند.

با وجود آن‌که زنان روستایی در ایران ۶۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی، ۴۳ درصد فعالیت‌های دامداری و عمده فعالیت‌های باغداری و همچنین فعالیت‌های پس از برداشت محصولات شامل فرآوری تولیدات را به‌عهده دارند، اما سهم آنها از آموزش بسیار ناچیز است. برای مثال در عرصه کشاورزی تنها یک‌درصد از خدمات ترویجی برای زنان طراحی و اجرا می‌شود. براساس نتایج پژوهشی فقط ۱۰ درصد از زنان از دوره‌های آموزشی- ترویجی بهره می‌برده‌اند؛ درحالی‌که این رقم برای مردان سه‌برابر است. کمبود اطلاعات، دانش، آگاهی‌های علمی و کاربردی آنها سبب شده است که زنان با وجود برعهده‌داشتن به‌طور متوسط ۵۰ درصد تولید کشاورزی، فقط ۵ درصد از منابع آموزش‌ها و تعلیمات ترویجی را به‌خود اختصاص دهند.

بررسی وضع اشتغال زنان روستایی

اشتغال زنان روستایی و مسائل مربوط به آن از اهم مشکلات آنان است. زنان روستایی اغلب در مشاغل غیررسمی که نوعا بلاموقت، فصلی و با درآمد پایین است، اشتغال دارند. در مقایسه با زنان شاغل در مناطق شهری، این زنان از حقوق شاغل در زمان بارداری (مرخصی باحقوق زایمان) محروم هستند. همچنین، زنان روستایی به‌ندرت دارای قرارداد کاری بوده و از بیکاری بیم دارند. شرایط کاری ناامن، وضع نامساعد کاری را برای زنان روستایی ایجاد کرده است.

عدم‌برخورداری از بیمه‌وبازنشستگی

از دیگر مشکلات این زنان، ناامنی شغلی و عدم‌برخورداری از مزایای بازنشستگی است. درحال‌حاضر زنان کشاورز به‌دلیل عدم‌برخورداری از بیمه، حق بازنشستگی نیز ندارند؛ درحالی‌که کارگران سخت‌کار در صورت اشتغال متوالی به‌مدت ۲۰ سال یا اشتغال غیرمتوالی به‌مدت ۳۵ سال، از این حق برخوردار می‌شوند، اما کار متوالی و طولانی‌مدت زنان کشاورز در شرایط سخت در این دسته‌بندی قرار نگرفته است.

اشتغال خانگی زنان روستایی و مسائل پیش‌رو

زنان روستایی که مشغول فعالیت‌های خانگی هستند نیز با مشکلات خاصی مواجهند. اشتغال خانگی زنان اغلب محدود به صنایع‌دستی است که با مسائلی چون کمبود امکانات و منابع مالی، سودمندنبودن فعالیت‌های اقتصادی در سطح خرد و نداشتن دسترسی به بازارهای خرید مواداولیه و فروش تولیدات روبه‌رو است.

سلامت زنان روستایی در معرض خطر جدی

از دیگر مشکلات زنان روستایی، کمبود امکانات درمانی و بهداشتی است که البته درگیری مشترک زنان و مردان است. عمده‌وجود این دسترس‌نبودن امکانات بهداشتی باروری و زایمان، مشکلات نقل و انتقال به مراکز پزشکی، مسائل ناشی از کمبود یا سوءتغذیه، مرگ‌ومیر نوزدان و استفاده از روش‌های سنتی کم‌اثر از جمله این مشکلات به‌شمار می‌آیند.

از اقدامات ویژه برای خدمات‌دهی به زنان می‌توان به تشکیل صندوق اعتبارات خردزنان روستایی اشاره کرد. در این طرح، زنان روستایی پس‌اندازهای کوچک خود را با حمایت سازمان جهاد کشاورزی در ایجاد مشاغل کوچک مورد استفاده قرار می‌دهند

مهاجرت مردان به شهر، افزایش زنان سرپرست خانوار و فقر مضاعف زنان روستایی

مشکل دیگری که زنان روستایی در سال‌های اخیر به‌نحو جدی درگیر آن بوده و زندگی آنها را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده است، وضع زندگی خانوادگی آنان است. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، در سال‌های اخیر به‌دلیل افزایش مهاجرت مردان از روستا به شهر، نسبت جنسیتی در مناطق روستایی کاهش پیدا کرده؛ به‌طوری که طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ در ۸ استان، نسبت جنسیتی پایین‌تر از ۱۰۰ است؛ یعنی در این استان‌ها تعداد زنان روستایی بیشتر از مردان است.

مهاجرت مردان خانواده برای تأمین معاش سبب می‌شود بار مشکلات زندگی بر دوش زنان باشد. این مسأله فشار و تنهایی مضاعفی بر زنان وارد می‌آورد که سبب بالارفتن آمار طلاق در سال‌های اخیر و افزایش زنان سرپرست‌خانوار در روستا شده و فقر مضاعف را برای آنان به‌ارمغان آورده است.

دختران تنهای روستایی ارمغان مهاجرت مردان به شهرها

مهاجرت مردان جوان از روستا، پدیده دختران تنها را در روستاها آورده است. اگنوی ازدواج دختران روستایی آنان را آماده ازدواج در سنین پایین می‌کند و درصورتی‌که چنین اتفاقی رخ ندهد، این دختران فرصت ازدواج را از دست داده و به تجرد قطعی می‌رسند. مسأله دختران تنهای روستایی از جمله آسیب‌های اجتماعی امروز است.

دولت‌ها چه کرده‌اند؟

روستا به‌عنوان موضوع خاص و زنان روستایی در ضمن آن، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌نحو جدی مورد توجه قرار گرفت. از جمله اقدامات انجام‌شده توسط دولت‌ها در این زمینه می‌توان به ایجاد امکان برخورداری روستاها از امکانات و خدمات زیربنایی در حوزه‌های مختلف آموزشی، بهداشت‌ودرمان، مسکن، آب، شرب، شبکه مخابرات، راه روستایی‌وروشنایی برق اشاره داشت. از دیگر اقدامات، تأسیس صندوق‌بیمه روستاییان و عشایر است که از سال ۱۳۸۴ تاکنون توانسته ۳۵ هزار و ۲۴ خانوار روستایی و عشایری استان را تحت‌پوشش بیمه بازنشستگی و عمر قرار دهد.

صندوق اعتبارات خردزنان روستایی و حمایت از اشتغال خردزنان روستایی

همچنین از اقدامات ویژه برای خدمات‌دهی به زنان می‌توان به تشکیل صندوق اعتبارات خردزنان روستایی اشاره کرد. در این طرح، زنان روستایی پس‌اندازهای کوچک خود را جمع کرده و با حمایت سازمان جهاد کشاورزی در ایجاد مشاغل کوچک مورد استفاده قرار می‌دهند.

طرح تسهیلگران توسعه از دیگر خدمات به زنان روستایی است. این طرح با هدف اجرای طرح‌های مشارکتی برای زنان روستایی و توانمندسازی آنان در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی به‌منظور رسیدن به توسعه روستایی اجرایی می‌شود.

اجرای طرح سراسری آموزشی در دولت‌دهم برای زنان روستایی

جهاد کشاورزی در دولت‌دهم طرحی را جهت مدیریت پسماندهای خانگی به انجام رساند. در این طرح سراسری، طی یک کارگاه یک‌روزه به زنان نحوه مدیریت پسماندهای خانگی آموزش داده شد. تولید قارچ، تهیه کمپوت، باغچه سبزیجات خانگی، اگنیک، تهیه‌مربا، قیچ‌ات‌سنتی و... از جمله مهارت‌هایی بود که زنان در این دوره‌ها آموزش دیدند و در برخی استان‌ها غرفه‌هایی برای فروش این محصولات برپا کردند.

تأکید بر زنان روستایی در برنامه‌های دولت یازدهم

خدمت‌رسانی به روستا در دولت یازدهم هم ادامه پیدا کرد، اما این موضوع با تأکید مضاعف بر زنان انجام شد. از جمله شواهد این تأکید برگزاری نشست‌های ذیل در حوزه زنان روستایی است:

۱- اجلاس سازمان همکاری اقتصادی ۸ کشور در حال توسعه اسلامی (دی هشت) درخصوص توان‌افزایی زنان روستایی (آبان‌ماه ۱۳۹۳)؛

۲- نشست هم‌اندیشی مدیران کل دفاتر امور روستایی، شوراها و مدیران کل امور بانوان استانداری‌های کشور (آذرماه ۱۳۹۳)؛

۳- نخستین همایش ملی توانمندسازی و کارآفرینی روستایی در ایران (دی‌ماه ۱۳۹۳).

مولاوردی: زنان همچنان در وضع مطلوبی قرار ندارند

معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده به‌عنوان متولی حمایت از زنان در کشور معتقد است، با وجود اقدامات انجام‌شده در دولت پیشین و دستاوردهایی چون افزایش امید به زندگی، دسترسی به امکانات آموزشی و کاهش فاصله سوادآموزی با مردان، افزایش دسترسی، تصویب قانون‌های حمایتی و... زنان همچنان در وضع مطلوبی قرار ندارند.

اقدامات و فعالیت‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر اگرچه موجب افزایش دسترسی و ارتقای آموزشی و بهداشتی بهبود بخشیده است، اما پیشرفت‌های مذکور به‌واسطه عوامل اجتماعی، اقتصادی و مسائل و مشکلات موجود در محیط‌های روستایی، کیفیت زندگی زنان روستایی را چندان ارتقا نداده است. از آن‌جا که یکی از شاخص‌های مهم توسعه یافتگی وضع زنان، به‌ویژه احوال اقتصادی آنان است، در دولت یازدهم عمده فعالیت‌های دستگاه‌های متولی در راستای توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی صورت خواهد گرفت.

دولت یازدهم برای زنان روستایی چه برنامه‌هایی دارد؟

مولاوردی از جمله اقدامات درحال‌بررسی جهت ارتقای وضع اقتصادی زنان را برنامه‌هایی نظیر تشکیل و حمایت از تعاونی‌های زنان روستایی، حمایت از صندوق‌های اعتباری زنان روستایی و عشایر، برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارتی اشتغال‌زا در بخش‌های کشاورزی؛ از جمله آموزش تولید محصولات سالم و ارگانیک و حمایت از مدیریت پسماندهای خانگی و کشاورزی معرفی می‌کند.

او همچنین با توجه‌دادن به جایگاه ستادی معاونت، اهم وظایف این نهاد را مدیریت ظرفیت‌های موجود در زمینه توانمندسازی زنان و دختران روستایی و جلب مشارکت آنان در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی حل مشکلات فرهنگی و اجتماعی ناشی از بالا رفتن سن ازدواج دختران روستایی و افزایش تعداد دختران روستایی بازمانده از ازدواج می‌داند.

اعلام آمادگی جهت تأسیس صندوق بین‌المللی مشترک اعتبارات زنان روستایی در اجلاس سازمان همکاری اقتصادی ۸ کشور درحال توسعه اسلامی (D8A) از دیگر اقدامات این نهاد جهت توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی است.

انعقاد تفاهمنامه همکاری مشترک میان معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری و وزارت جهاد کشاورزی از دیگر تدابیر اتخاذشده جهت ارایه خدمات اقتصادی به زنان روستایی است. ایجاد امکان و حمایت از اشتغال زنان روستایی و عشایری با تأکید بر مشاغل خانگی و کسب‌وکارهای خرد، تسهیل و تسریع دسترسی زنان روستایی و عشایری به منابع مالی و اعتباری و فراهم‌کردن زمینه مشارکت موثر آنان در فرآیند توسعه روستایی و کشاورزی از موضوع‌های این تفاهمنامه است.

دولت یازدهم با تأکید بر اهمیت زنان در روستا و نقش آنان در روتق محیط‌های کشاورزی و دامداری، به‌درستی در پی تأمین و فراهم‌کردن امکانات برای آنان است. تشکیل و حمایت از تعاونی‌های زنان روستایی، حمایت از صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی و عشایر و برگزاری دوره‌های آموزشی- مهارتی اشتغال‌زا در بخش‌های صنایع‌دستی و کشاورزی، بیگیری ایجاد اشتغالات خانگی، تولید محصولات کشاورزی، فراهم‌کردن بازار فروش محصولات، تعاونی‌های روستایی خانوادگی و تعاونی‌های زنانه مخصوص زنان روستایی سرپرست‌خانوار از جمله این اقدامات است.

ارتقای شاخص اقتصادی توسعه و افزایش بهره‌مندی اقتصادی زنان روستایی در دولت یازدهم، اجرا، ملاحظاتی را باید در نظر گرفت؟ همان‌گونه که پیشتر گفته شد، تمرکز دولت یازدهم بر مجموعه زنان روستایی، ارتقای شاخص اقتصادی توسعه و افزایش بهره‌مندی اقتصادی زنان است. بررسی مطالب و مستندات منتشرشده درخصوص این طرح کلان، مخاطبان آن را تمامی زنان روستایی و عشایر می‌داند. این مسأله حاوی نکته‌ای است و آن این‌که وال معمول درخصوص بحث توانمندسازی، مخاطب آن را زنان سرپرست‌خانوار یا دختران مجردی معرفی می‌کرد که مسئولیت تأمین هزینه خانواده را بر عهده دارند، اما به‌نظر می‌رسد طرح توانمندسازی زنان روستایی شامل تمامی زنان است؛ زنانی که همرشان با آنان زندگی می‌کنند، زنانی که همسران آنان مهاجرت کرده‌اند، زن بیوه مطلقه و دختران مجرد نامساعد از ازدواج.

درمورد زنانی که مردانی برای تأمین مخارج زندگی ندارند، توانمندسازی امری لازم و شایسته است، اما درمورد دیگر زنان این امر با ملاحظاتی همراه است. اگر هدف، از این طرح، ارتقای توانایی زنان جهت کمک به همسران خود در امر تولید محصولات کشاورزی و دامداری باشد، امری به‌جاست؛ چنان‌که این زنان می‌توانند با افزایش دانش و مهارت خود، باصرفه‌جویی در وقت و مدیریت زمان، به تولید بیشتر و بهتر بپردازند و از نتایج آن نیز بهره‌مند شوند، اما چنانچه این طرح زنان را جدا از خانواده در نظر داشته باشد، دارای آسیب‌های نهفته‌ای خواهد بود.

زنان و مردان را در کنار هم ببینید

توجه به ارتقای شاخص‌های جنسیتی توسعه، در تمامی ابعاد آن، باید در نظر گرفتن این نکته باشد که جامعه مجموعه‌ای از سلول‌های منفرد و مجزا از هم نیست، بلکه مشتمل بر مجموعه‌هایی است که نه‌تنها زیرگذر افراد هم‌کرده و درمجموع به‌همگی منتفع می‌شوند. تبعی کردن طرح‌های اینجنیتی از مردان و نقش آنان در تأمین معاش و زندگی خانوادگی بسا فرض این‌که آنان از امتیازات لازم بهره‌مند بوده و تأکید فعلی باید بر زنان باشد، تحمیل بار مضاعف بر زنان است. لازم است زنان و مردان در کنار یکدیگر دیده شوند تا خانواده و تأمین نیازهای عاطفی و روانی در کنار شاخص‌های اقتصادی تأمین شوند.

الگو

مربی همیشه خندان گردان تخریب

|جعفر طهماسبی|

شهید رابلیان در عملیات بدر، یاری کننده بچه‌های تخریب در انهدام دژهای جزیره مجنون بود. در عملیات عاشورای ۳ با همکاری شهید سیدامین صدرنژاد تله‌های انفجاری فراوانی را برای استفاده در عملیات آماده کرد که در عملیات از آن استفاده شد و از دشمن تلفات زیادی گرفت.

بعضی از فرماندهان جبهه با آموزش رزمی اهمیت زیادی می‌دادند از جمله آنها می‌توان از شهید محمدابراهیم همت و شهید رستگار مقدم نام برد. این نقل شهید همت را برای نخستین‌بار از زبان سردار شهید تخریب‌چی حاج‌ناصر رابلیان شنیدم که از قول این شهید می‌گفت: «اگر ۱۰۰ تومان به من بدهند و بگویند خرج عملیات کن، من ۹۰ تومان اون‌رو خرج آموزش می‌کنم و ۱۰ تومان خرج خود عملیات». شاید در نگاه اول این جمله ساده و پیش‌پاافتاده باشد اما اگر کمی دقت کنیم به درایت و دوراندیشی صاحب این کلام باید آفرین گفت. فرماندهانی که در جنگ به امر آموزش و تربیت رزمی نیروهای تحت امرشان اهمیت دادند، توانستند با حداقل تلفات ماموریت خود را انجام دهند. شهید حاج کاظم رستگار، فرمانده لشکر سیدالشهدا(ع) نیز توجه فراوانی به امر آموزش داشت، به‌خصوص آموزش‌های تخصصی جنگ و عنایت ویژه‌ای به آموزش رزم بچه‌های تخریب داشت و بعد از عملیات خیبر و اتفاقاتی که در روند عملیات افتاد، این حساسیت بیشتر شد و در دیدارهای متعددی که با فرماندهان و بچه‌های تخریب داشت به آنها گوشزد می‌کرد که هرچه می‌توانید در کنار تربیت معنوی، آمادگی رزمی خود را هم بالا ببرید.

شهید حاج عبدالله نوربان، فرمانده گردان تخریب لشکر سیدالشهدا(ع) این امر فرمانده محبوب خود را به جان خرید و یکی از نیروهای لایق و توانمند خود را بر این کار گمارد. شهید حاج‌ناصر رابلیان از تابستان سال ۶۳ در کنار شهید نوربان به امر آموزش بچه‌های تخریب پرداخت و با بهره‌گیری از تجارب عملیات‌ها، زرمندگانی را تربیت کرد که تا آخرین روز جنگ، گردان تخریب لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) را یاری کرده و در ماموریت‌های عملیاتی لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) قوت‌قلب فرماندهان بودند.

شهید حاج‌ناصر دست‌پرورده شهید علی کفایی فرمانده تخریب لشکر حضرت رسول(ص) بود و همیشه از حمامه دلاوری او در عملیات والفجر یک یاد می‌کرد و می‌گفت: علی وقتی دید زمان برای بریدن سیم‌های خاردار در داخل کانال نیست و دشمن هوشیار شده و تأخیر در بازگشایی معبر تلفات را بالا می‌برد، از در بنگال (لولای پر از مواد منفجره که برای بازکردن معبر و انبوه سیم‌خاردار از آن استفاده می‌کنند) را داخل حجم سیم‌های خاردار فرو برد و چاشنی نارنجک را داخل آن قرار داد و ضامن را کشید و مسیر را برای رزمندگان باز کرد و جنگ قطعه‌قطعه شد. شهید رابلیان در عملیات بدر یاری کننده بچه‌های تخریب در انهدام دژهای جزیره مجنون بود. در عملیات عاشورای ۳ با همکاری شهید سیدامین صدرنژاد تله‌های انفجاری فراوانی را برای استفاده در عملیات آماده کرد که از آن استفاده شد و از دشمن تلفات زیادی گرفت. تجربه عملیاتی شهید ناصر در آموزش غواصان تخریب که برای عملیات والفجر ۸ مهیا می‌شدند به کار آمد تا بچه‌های تخریب بتوانند به سلامت از اروند خروشان عبور کرده و از میان انبوه سیم‌خاردار و هشت‌پرهای متعدد و بشکه‌های قوگاز معبری امن برای عبور رزمندگان باز کنند. توانمندی شهید ناصر در برنامه‌ریزی برای مبین‌گذاری مقابل دشمن در دفع پاتک‌های متعدد در جاده فاو- ام‌القصر و اطراف کارخانه نمک موثر بود به‌طوری که دشمن را از دستیابی به مواضع رزمندگان ناامید ساخت. اطلاعات رزم عملیاتی سیدالشهدا(ع)، کربلای یک و ۲ و اصرار دشمن در مسلح کردن زمین عملیات، شهید ناصر را برآن داشت که در آموزش بچه‌های تخریب، روی عبور از موانع بیشتر دقت کند و برای عبور از سیم خاردارها که به صورت طولی دشمن در مقابل مواضعش استفاده کرده و داخل آن را با انواع مین مسلح کرده بود، چاره‌اندیشی شود. آموزش‌های طرح، ارتقای توانایی زنان جهت کمک به همسران خود در امر تولید محصولات کشاورزی و دامداری باشد، امری به‌جاست؛ چنان‌که این زنان می‌توانند با افزایش دانش و مهارت خود، باصرفه‌جویی در وقت و مدیریت زمان، به تولید بیشتر و بهتر بپردازند و از نتایج آن نیز بهره‌مند شوند، اما چنانچه این طرح زنان را جدا از خانواده در نظر داشته باشد، دارای آسیب‌های نهفته‌ای خواهد بود.

عمل‌کننده برای بازسازی و استراحت عقب رفتند اما تخریب همچنان در خط مقدم حضور داشت. معمولا اتفاق می‌افتاد که در ماموریت‌ها، گردان‌های تخریب از سایر تیپ‌ها و لشکرها نیروی تخریب‌چی به کمک می‌گرفتند اما برای تخریب «ل ۱۰» سیدالشهدا(ع) به‌جهت توانمندی کادر آموزشی و شخص شهید رابلیان، در تربیت نیروهای مورد نیاز برای عملیات، این نیاز احساس نشد.

بهار سال ۶۶ عملیات در جنوب متوقف شد و یگان‌های عملیاتی برای عملیات به غرب کشور نقل‌مکان کردند و لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) در یادگان امام‌علی(ع) در شهر سنندج مستقر شد. چون عملیات در منطقه کوهستانی بود، باید نیروها برای زمین معبر در کوهستان آماده می‌شدند و باز شهید رابلیان آموزش را براساس کار در کوهستان و مناطق شیب‌دار سازماندهی کرد و ظرف کمتر از یک‌ماه گردان به آمادگی کامل برای عملیات رسید و عملیات‌های نصر ۴ و بیت‌المقدس ۲ به انجام رسید. تیرماه ۶۶ و در عملیات نصر ۴ شهید سیدمحمد زینال‌الحسینی، فرمانده گردان تخریب «ل ۱۰» سیدالشهدا(ع) به شهادت رسید. این گمان از سوی مسئولان لشکر می‌رفت که با شهادت ایشان توان عملیاتی گردان کم‌شود. لکن با تلاش‌های شهید حاج‌قاسم اصغری و شهید رابلیان خلأ بوجود شهید سیدمحمد برطرف شد.

عید سال ۶۷ ماموریت عملیات در منطقه شاخ شمیران به لشکر سیدالشهدا(ع) محول شد و غواصان تخریب با گذشتن از دریاچه سد برندیزی خان عراق توانستند معبری در پشت مواضع دشمن باز کرده و رزمندگان را برای حمله به دشمن عبور دهند. بعد از این عملیات بود که سنگر بچه‌های تخریب در زیر ارتفاع «تیمورزنان» و مقر آنها در شهر بیاره عراق توسط هواپیماهای بعثی بمباران شیمیایی شد که در این حمله ناجوانمردانه ۱۳ تن از رزمندگان تخریب‌چی شهید و نزدیک ۵۰ نفر نیز مجروح شدند که شهید حاج‌ناصر رابلیان از جمله مصدومان این حمله بود که از ناحیه چشم، پوست و ریه به شدت آسیب دید و در بیمارستان لقمان و بقیه‌الله تهران بستری شد. شدت صدمات به‌حدی بود که می‌بایستی ماه‌ها در بیمارستان بستری و تحت‌نظر باشد اما این عزیز با همان حالت مصدومیت درحالی که چشمانش به‌شدت به نور حساس شده بود و از سوزش تاول‌ها و سرفه‌های بی‌درپی رنج می‌برد در اردیبهشت‌ماه سال ۶۷ مجددا به جبهه برگشت و در من‌گذاری روی ارتفاعات مشرف به شهر ماوت شرکت کرد. سال ۶۷ سال سرنوشت‌سازی برای جبهه‌ها بود؛ از یک‌سو دشمن با کمک استکبار جهانی با تمام توان به‌مواضع ما در جبهه یورش بردو از طرف دیگر جنگ شهرها قوت گرفت و رویارویی آمریکا با جمهوری اسلامی در منطقه با حمله به سکوهای نفتی و زدن هواپیمای مسافربری آغاز شد. اواخر تیرماه ۶۷ بود که دشمن بعثی از جبهه شهرهانی و دکله برای هجوم به خاک کشورمان و تهدید شهرهای شوش، اندیمشک و دزفول عملیات خود را آغاز کرد و ابتدا با بمباران شدید هوایی و گلوله‌باران منطقه، مقاومت نیروهای ارتشی مستقر در خطوط پدافندی در این دو جبهه را شکست و از سمت فکه تا تپه‌های «برغازه» محل استقرار یکی از تیپ‌های ارتشی جلو آمد و از طرفی مقر اصلی تخریب لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) که به‌موقعیت الوارتین شهرت داشت در سر راه بیشروی دشمن قرار داشت. بچه‌های تخریب در مقر، با فرماندهی شهید رابلیان آماده می‌شدند تا با مین‌گذاری مقابل دشمن و عملیات‌های انفجاری جلوی دشمن را سد کنند و شهید رابلیان صبح روز ۲۲ تیرماه ۶۷ به‌همراه یکی دیگر از رزمندگان تخریب به ماموتور سیکلت برای شناسایی دشمن از طریق جاده فکه اقدام می‌کنند که در محل استقرار تیپ پدافندکننده در منطقه که به‌دست دشمن افتاده بود، با انبوهی از تانک و نفربر مواجه می‌شوند و در مسیر برگشت با سربازان دشمن روبه‌رو شده و درحالی که روی جاده با موتورسیکلت در حرکت بودند، از ناحیه پهلو مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند و بعد از طی مسافت کوتاهی به علت خونریزی شدید و ضعف، موتور از حرکت می‌ایستد. دشمن برای دستگیری ایشان اقدام می‌کند اما همراه ایشان موفق می‌شود از چنگ دشمن فرار کنند و بعد از ۴ ساعت پیاده‌روی خود را به مقر الوارتین برساند.

غروب روز ۲۲ تیرماه ۶۷ دشمن از مواضع خود عقب‌نشینی کرد و بچه‌های تخریب به‌حضور در منطقه موتورسیکلت را وسط جاده، سالم بپا کردند که کنارش دین زیادی ریخته بود و جای چرخ‌های نفربری که حکایت از انتقال ایشان به مواضع دشمن می‌کرد، دیده می‌شد. بچه‌ها تمام خاک‌های منطقه را که احتمال دفن ایشان می‌رفت وارسی کردند اما اثری از این عزیز نیافتند. هیچ‌کس جز زمین داغ فکه نمی‌دانست با فرمانده دلاور ما چه کردند تا این‌که در خرداد ماه سال ۱۳۸۰ آن پیکر مطهر به آغوش مهین اسلامی ما بازگشت و در گلزار شهدای بهشت‌زهرا(س) قطعه سردار آن (۳۹) ردیف ۱۸- شماره ۹ در جوار امیر سرافراز ارتش جمهوری اسلامی سپهبد شهید علی صیاد شیرازی آرام گرفت.